

# عطا نوردروغ میگوید و یاسازمان دیدبان حقوق بشر؟؟؟

(درمورد چوروچپاول کشور و باتفکیک بهتر چیزهای دیگری نیز تقدیم حضور خواهم نمود)

(استاد صباح) thesabab@gmail.com



من بارها بخاطر بیان حقایق و دردهای ناگفته ی مردم ستمدیده - تحقیر و توهین شده و به دسایس و توطئه های گوناگون مواجه شده و گاهی نیز به مرگ تهدید شده ام و باکوله باری از غم و اندوه از زادگاه ام بیرونم کردند ، ولی هرگز متوقف نشده ام و نخواهم شد و متفکری میگوید: (اگر روزی دشمن پیدا کردی، بدان در رسیدن به هدف موفق بوده اید! اگر روزی تهدیدت کردند، بدان در برابرت ناتوانند.)

نه هراسی نیست

من هزاران بار

تیرباران شده ام

و هزاران بار

دل ... مرا از دار آویخته اند

و هزاران بار

با شهیدان تمام تاریخ

خون جوشان مرا

به زمین ریخته اند

سرگذشت دل من

زندگی نامه انسان است

که لبش دوخته اند

زنده اش سوخته اند

و به دارش زده اند ...

آری از مرگ هراسی نیست ...

پیش ما ساده ترین مسئله ی مرگ است

مرگ ما سهل تر از کندن یک برگ است

من به این باغ می اندیشم

که یکی پشت درش با تبری نیز کمین کرده است

دوستان گوش کنید

مرگ من مرگ شماس

مگذارید شما را بکشند

مگذارید که من بار دگر

در شما کشته شوم. ( سایه )

اینان آگاهانه و در مقابل چشم جامعه جهانی و باموجودیت فزیکي ناتو، آیساف و ادارات مختلف حقوق بشر، کشور راجیاول و تاراج نموده اند: فهیم معاون اول قبلی رییس جمهور و یونس قانونی معاون پیشین کرزی، بسم الله وزیر دفاع ملی قبلی، دبل عبدالله وزیر خارجه سابق و فعلاً رییس اجرایی، امرالله صالح رییس عمومی امنیت ملی گذشته، سیاف مسوول و موظف حقوق جنگ سالاران و تفنگداران و فتوا دهنده جهاد، شیخ آصف محسنی، ضیا ولی مسعود برادران احمد شاه مسعود، عتیق الله بریالی سابق معاون زارت دفاع، قره بیگ سابق رییس سره میاشت، گل آفاشیرزی والی سابق ننگرهار، حاجی ظاهر و باقی بازماندگان حاجی قدیر، رییس ولسی جرگه و مشرانو جرگه فعلی، اسماعیل وزیر قبلی آب و برق، انوری سابق والی هرات، سید منصور وکیل ولسی جرگه و سید جعفر پسرش، حاجی محمد محقق معاون و یار و دستیار عبدالله، گلاب منگل آخندزاده و الیان قبلی هلمند، عمر زاخیل وال مشاور غنی، احدی یار غنی، فاروق وردگ و رحیم وردگ، برادران و پسران کاکا و خویشاوندان نزدیک کرزی، اکبری وکیل ولسی جرگه، بازماندگان خالص، ظاهر اغبر قبلا رییس المپیک، محمود دقیق قبلا لوی سار نوال، الکولوی سار نوال فراری و قضای و القضاات خانه نشین، وزیران کابینه همه، رییس اداره امور ریاست جمهوری، والی فعلی ولایات که مربوط به یک تنظیم اند، بصیر سالنگی، امان الله گذر، قسیم جنگل باغ، کرام الدین کریم کنونی و سار لوال کرام سابقه، عارف قبلاً رییس عمومی امنیت ملی، کلانهای تنظیمهای محاذ گیلانی، جبهه نجات مجددی، ملا عزت و قوماندانان تنظیم اتحاد سیاف، ... و گروههای مافیایی که در همین حلقه وصل اند و کمکهای خارجی رابه یغما برده اند و زمین و املاک دولتی و شخصی را غصب کرده اند و نیز امروز اگر طالب تروریست است سالهای قبل همینا تروریست بودند، آدم میکشند، ترور می کردند، انفجار میدادند، یل و یلچک و کلینک و شفاخانه و مکتب را انفجار و میسوختاندند.

بیشتر از یک دهه است که کشور ما افغانستان با انواع بحرانها دست و پنجه نرم می کند. بحرانهای متفاوت و مختلفی که هر کدام باعث و علت شده برای بسیاری از ناهنجاری های متنوع و گوناگون. بحران امنیتی، بحران نظامی، بحران سیاسی، بحران اقتصادی و بدتر و خطر خیزتر از همه اینها بحران فرهنگی و اخلاقی و فاجعه بارتر از همه زورگویی، چپاولگری و نقض حقوق انسانی است که اساس و هویت انسانی مردم ما را نشانه گرفته و تهدید می کند. با تاسف باید گفت که امروز چهار دروازه کشور ما بر روی ورود هر چه ناهنجاری های مذکور است، باز باز نگهداشته شده است و هیچ نهاد و یا ارگان دولتی و غیر آن وجود ندارد تا در برابر این هجمه های سنگین و بنیاد بر انداز گوناگون، کاری انجام دهد!

طی این مدت جنگ و ستیز، اجنبی و اجنبی پرستی، چوروچپاول، خودبینی و خودبزرگی، خیانت و جنایت، وحشت و بربریت، پنهان کاری و معامله گری، دزدی و فساد... به اوج خود رسید و این پدیده های شوم و خاتمانسوز تاجای پیش

رفت که عملاً استقلال ملي تمامیت ارضي و حاکمیت دولتي را تهدید نمود و فرزندان وطن را آواره و سرگردان نمود این جنگ تباہ کن و نوکري و بیگانه پرستي کشور را ویرانه و ملت را بخون نشاند.

متأسفانه و سوگمندانہ مردم مظلوم ما قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زندہ گی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هر گاه که جنگ بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید توان خود خواهیها و قدرت طلبی های مشتبه معامله گرو اجنبی را بپردازند. مردم که با صدها مشکل در حال حاضر روزگاری گذرانند، نگران این هستند که با تداوم نا امنی ها، خدای ناکرده همانند عراق همین امنیت نسبی در بعضی از ولایات نیز، رخت بر بندد و جان و ناموس مردم بی رحمانه در مقابل هوسهای قدرت طلبانه جنگ سالاران به خطر افتد.

هنوز قاچاق مواد مخدر، معادن، انبارهای اسلحه، چور و چپاول سرمايه هاي دولتي و شخصي، رشوت و رشوت ستاني، قتل و جنایت های تکان دهنده، دزدی و اختلاس، خویش خوري و قوم پرستي ... به پیمانہ زيادي به چشم مي خورد، با اندوه فراوان با گذشت هر روز وسعت بي سابقه پيدا نموده و قانون و دولت را زیر سوال برده اند.

از یکطرف نگرانیهای بین المللی از تشدید بحران در افغانستان و افزایش خطر طالبان، تا جایی پیش رفت که برخی از تحلیلگران حتی از احتمال بازگشت افغانستان به دوران سیاه گذشته در نتیجه افزایش خشونت طالبان و کم توجهی بین المللی به این کشور سخن گفته اند. فساد اداری، مواد مخدر، تروریسم، فقر، نا امنی، فقدان اشتغال مشکلات با همسایه ها، حاکمیت جنگسالاران و نظایر آن همچون یک نظام پیوسته به هم عمل می کنند. اما با تمام این ها موردی بر خورد می شود و تنها راه حل پیشنهادی نیز از طریق نظامی و امنیتی جستجو می گردد. تقویه پولیس ملي و اردوي ملي، همین ویس. در حالیکه حوادث تروریستی آشکار ساخت که با وجود مصارف زیاد و وعده های زیاد تر، نه پولیس ملي داریم و نه اردوي ملي.

کوشش در جهت ایجاد اردوي ملي و همزمان با آن احیای ملیشه بازي و در پهلوي آنها توسل به شیوه های ناکام جرگه سازی. پذیرش مصلحت هایی که هر کدام دارند همان نتایجی را در بر دارد که تا حال داشته است و تازمانی که مصلحت و روزگزرانی اساس کار و سیاست باشد، که هست، هیچ نشانه ای از بهبود را نخواهیم دید. دولت خود را به مصالح گروه های گوناگون متعهد می داند و بر همین اساس روزانه بر نامه می سازد. با قدرتمندان درون دولت، با قوماندانان محلی، نیروهای محافظه کار، با جامعه جهانی و... و برآیند آن نیز همین است که هست. در این میان آنکه هرگز مورد توجه قرار نمی گیرد و نقشی را که می تواند بر عهده بگیرند نادیده گرفته میشود اکثریت مردم افغانستان است که از فقر و مرض و بی سر پناهی و بیکاری رنج می برند.

فعالیت القاعده، طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، چالش نخست در برابر آینده است و پس از آن، وجود جنگسالاران و گروههای مسلح تنظیمی مشکلات عمده پیش روی کشور هستند و مواد مخدر، به عنوان چالش دیگر در برابر دولت قرار دارد و بدبختانه دولت نیز بخاطر بیرون رفت از مشکلات موجود راه های بیرون رفت را جستجو نکرده و خود نیز عملن در همدستی و همیاری با جنایت کاران قدرت طلب و پول پرست به مشکلات موجوده می افزاید.

دولت در مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر، حساب دهی از کمک های جامعه جهانی، جذب اعضای گروه های مجاهدین در تشکیلات اردو و پولیس ملی و همچنین استخدام آنان در تمامی ادارات دولت در داخل و خارج، جلوگیری از تبلیغات علیه جهاد و مقاومت. اگر این شروط کالبدشکافی گردد قبول آنها نتیجه ای جز پذیرفتن حاکمیت عده ای خاصی نیست.

اگر جنایتکاران و گروپهای که تحت نام جهاد و مقاومت ستمهای فراوانی که بر ملت رواداشته اند به خاطر خیانتها و جنایتهای بی شماری که مرتکب شده اند به پای میز محاکمه کشیده نشده و مخصوصاً میلیونها دالری ذخیره و انباشته اند از حلقوم شان بیرون نشود در واقع هیچ کاری علیه آنان صورت نگرفته است و قادر خواهند بود با پول بی حساب خود به هر ذالت و ترور و توطئه و تقلب دست بزنند. ولی متأسفانه سازش و سازشکاری چون گذشته ادامه پیدا کرده است.

بیباید با خود بی اندیشیم که طی تقریبین یک قرن از اصول استقلال مابه وطن و مردم وطن چه کرده ایم و همین اکنون تاچه حدودی مالک کشور و صاحب استقلال و تمامیت ارضی کشور ما هستیم.

چندیست تعدادی از رسانه های داخلی و خارجی در مورد عطا محمد نور خبرهای ضد و نقیضی به نشر می رسانند و به اصطلاح وی را سوژه خبری خود قرار داده اند؛ در اینکه عطاء نوریکی از چاشنی های مهم و ایده آل برخی از کشورها است هیچ شکی نیست و همچنین در اینکه عطانور نقطه قوت تیم عبدالله محسوب می شود هم جای تردیدی وجود ندارد؛ ولی آیا واقعیت همین گونه است که رسانه ها از عطاء نوریکی شخصیت جنجالی، مغرور، زورگو، خشن و تاثیر گزار ساخته اند و آیا واقعا وی به عنوان یکی از پایه های اصلی و اراکین قدرتمند فتنه جدید شمرده می شود؟

در چند دهه اخیر کنشها و واکنش های عطانور همواره خبر ساز بوده و تعدادی از رسانه ها بطور خاص، دنبال برجسته کردن اخبار مربوط به گفتار و کردار عطا بوده اند و از وی یک شخصیت تاثیر گذار در روند سیاسی کشور ساخته و از ضعف برخورد عملی اداره اجیر در مقابل برخی تصمیمات خودسرانه و خودکامه عطاء نور نیز استفاده کرده و تا جایی قدرت و نفوذ عطاء نور را مهم جلوه دادند که از وی به عنوان بادشاه بلخ یاد کرده اند و حتی گفته شده که عطاء نور با قدرت و نفوذی که دارد و با حمایت سفت و صریح که از سوی برخی از کشورها برخوردار است می تواند قدرت مرکزی اداره کابل را به چالش بکشد و در طول مدت حکومت کرزی در مورد اقدامات دیکتاتورانیه وی هیچ مقامی جرئت استیضاح وی را نداشته است؛ و با جرئت می شود گفت که عطائنها والی بوده که کرزی هیچگاهی نتوانسته با وی شاخ به شاخ شود نه بدین معنی که شاید بدین خاطر والی بلخ دست نخورده مانده و تشکیلات اداری و ولایت بلخ تغییر نکرده که وی شخص بسیار مطیع، متعهد و اصولی بوده است، نه بلکه بدین جهت که عطا با پیشینه و پشتوانه خارجی خود پیوسته کوشیده است که در بلخ به صورت یک اداره خودمختار حکومت کند تا یک والی زیر دست تحت حکم یک مافوق برتر. در تحولات اخیر و پس از آنکه در سرطان سال جاری، نتایج دور دوم انتخابات به نفع تیم عبدالله اعلان نشد؛ نقش عطا به عنوان مرد جنگی تیم عبدالله زمانی برجسته گردید که نتیجه اعلان شده را تقلب آمیز خوانده و نپذیرفت و ضمن اتهام به عدم بی طرفی حکومت در مسئله انتخابات، اداره مرکزی کابل را فاقد صلاحیت تصمیم گیری و نامشروع اعلان کرد و عبدالله را به حیث رئیس جمهور مشروع به رسمیت شناخت و از حکومت موازی سخن به میان آورد؛ در دنیا شاید این نخستین باری بود که در دیموکراسی تحت قیادت غرب، صلاحیت والی از صلاحیت های رئیس جمهوری فراتر رفته بود و یک والی می توانست رئیس جمهور را از قدرت خلع نماید؛ لکن این پایان ماجرا نبود و این احساسات آتشین عطا نور مدتی پس از آنکه سرورش عبدالله به میانجیگری جان کری تن داد و ملزم به دستورات لازم الاجرا امریکا شد، فروکش کرد و عطا منتظر فرصت مناسب

دیگری ماند تا اینکه با ایجاد اختلافات شدید و دودستگی آشکار سر تقسیم قدرت بین تیم اشرف غنی و عبدالله و ظاهرا به عدم تمکین اشرف غنی به خواسته های مهم عبدالله، بازیکنار دیگر عطا سخن از زور و زورگویی زد و طی یک مصاحبه با روزنامه و اشنگتن پوست تهدید کرد که اگر نتیجه انتخابات یکجانبه باشد دست به قیام ملی و تصرف بسیاری از ساختمان های حساس دولتی می زند؛ سخنانی که بلافاصله به سرخط خبرهای رسانه ها تبدیل شد و اقلا برای یکبار دیگر چهره نور رسانه ای شد و این خبر تاجایی مقامات امریکایی را برآشفته ساخت که (جیمز کنگهم) سفیر امریکا در کابل به دیدار عطا رفت و وی را به پرهیز از خشونت و صف آراییی در مقابل نتیجه انتخابات دعوت داد و با بایدها و نبایدهای خود به وی فهمانید که مبادا دست از پا خطاء کند و به وی هشدار داد که زورش را برای خودش نگهدارد و گرنه امریکا از تهدید کسی هیچ ابایی ندارد!

جای سوال اینجاست که آیا واقعا عطانور این مرد جنگی تیم عبدالله زوردارد که همیشه سخن از زورگویی می زند یا دنبال زور آزمایی است و می خواهد در میدان سیاسی فعلی باقی مانده زورش را محک بزند تا ببیند که واقعا چقدر زور دارد و آیا زورش حتی به بادارانش که مدتی است بردسترخوان آنها نشسته و از پولهای هنگفت و بی حساب و کتاب آنها زندگی تجملاتی برای خویش در داخل و خارج ساخته، می رسد یا نه؟؟؟

حقیقت اینست که عطا همانند دیگر تفنگسالاران فقط زورشان به هموطنان مظلوم شان می رسد و در حق مردم غریب بی چاره افغانستان زورگویی می کنند، در غیر اینصورت همه می دانند که قیام عطانور و غیره در مقابل خواسته های امریکا، به جز لاف و پوف چیزی دیگری نبوده و خدا بیامرزد آن زمانی را که این وطن فروشان از نام جهاد و اسلام سوء استفاده می کردند و با وعده ها تبلیغات دروغین شان، ملت مومن و غیور را فریب می دادند و از وجود ملت در جهت منافع شخصی و سیاسی خود بهره جویی می کردند؛ ملت غیور دیگر بار فریب این دروغگویان را نخواهند خورد و از انتخابات فعلی درس عبرت خواهند گرفت که چگونه به نام ملت، این وطن فروشان خاین اینهمه افتضاحات تاریخی را بیار آوردند و باز هم بی شرمانه در کنار مقامات کاخ سفید و نه ملت مظلوم و ستمدیده، دم از ملی گرایی و وطن دوستی می زنند!؟!

والی بلخ همچنین وزنه اصلی ستاد انتخاباتی عبدالله بشمار می رفت که با قدرت و جایگاه خود در این ولایت بزرگ، تاثیر بسزایی بر آرای درو شده از مزار شریف و ولسوالی های همجواریش در حمایت از تیم اصلاحات و همگرایی داشت. گرچه گمانه زنی های متعددی از احتمال تابعیت وی در ازبکستان، فرار بخاطر رشوت خواری ها و اختلاس ها، نگرانی از محاکمه قضایی پس از اتمام حکومت حامد کرزی و با روی کار آمدن اشرف غنی احمدزی و از این قبیل وجود دارد اما ... اما بی تردید وی با هر آنچه که در توان داشت و به کار بست در کنار هر چه برای خود اندوخت.

بلخ بیشتر به خاطر حضور نداشتن طالبان دارای ثبات و آرامش بود نه والی یک ولایت. والیان دیگر ولایتها نیز به مردم خود خدمت کردند و اما جنگ با طالبان این فرصت را از دیگر ولایات گرفته تا با جذب سرمایه گذار بتواند خدمتی به مردم خود بکند. عطا محمد شکمش پر شده و زیاده خواهی دیگر برای او بس است. مطمئنا اگر داکتر عبدالله هم رییس جمهور شد باز هم عطا محمد را به محکمه مکشیدند و عطا محمد و دیگر زورگویان بی منطق لکه ننگی بر عبدالله بود. اقدامات خود سرانه وی دید مردم را نسبت به عبدالله تغییر داد و ایشان را به یک شخصیت جنگ طلب و زورگو معرفی کرد پس همان بهتر که اینگونه افراد که خودشان جنگ را راه ماندازند و خودشان اولین افرادی هستند که از جنگ مگریزند و مردم را به جان هم ماندازند در صحنه سیاسی حضور نداشته باشند.

## آیا سازمان دیدبان حقوق بشر دروغ میگوید؟؟؟



به خشونت و جنگ و توپ و تفنگ  
زدند بر شیشه بی مردم ما سنگ  
همه جا قصه بی فریب و رنگ است  
به هر رنگی هزاران چال و نیرنگ.

<http://youngdemocrats.blogfa.com/post/18> برای تماشای تصویر جای دادهای نوبه این آدرس بروید.

روزنامه واشنگتن پست مقاله تحت عنوان افغان های ثروتمند از پول های وافر خود خانه ها می سازند، که به نوشته این روزنامه... کرایه ماهانه یکی از خانه های چهار منزله واقع در شیرپور، دوازده هزار دالر امریکایی است. شیرپور منطقه مورد علاقه جنگ سالاران می باشد. همچنان چندی قبل ویلیام بیٹی سفیر فوق العاده ای بریتانیا در افغانستان با رسانه ها اعلام داشت که فساد در افغانستان و فرهنگ گریز و معافیت از قانون، مایه نگرانی کشورش در ادامه کمک به افغانستان است وی گفت: ما متعهد به کمک کردن هستیم. اما این کمک ها مشروط است به رعایت اصول حکومت دارای خوب در افغانستان. بیٹی از روند فعلی اوضاع در افغانستان ناراضی است و فساد موجود در افغانستان را، مانع از رسیدن کمک ها به افغانستان دانسته است.

برای اینکه بدانیم که سازمان متذکره دروغ و یار است میگوئید و درینجا جای دادهای عطامحمد نور والی بلخ را مورد بررسی قرار می دهیم که تنها در ولایت بلخ نزدیک به یک میلیارد دالر ( هزار میلیون دالر) می رسد. این دارایی است که نه از پدرش برای میراث مانده و نه هم از مجرای تجارت بدست آورده است بلکه درده سال گذشته با استفاده از پست دولتی بدست آورده است.

پدر عطا محمد نور در شهر مزار شریف یک دوکاندار ساده بود که تمام مفاد سالانه وی به بیش از هزار دالر امریکایی نمی رسید، اما امروز پسرش (عطامحمد نور) منحصیث یک سرمایه دار جهانی یاد می شود. در سال های گذشته والیان و وزیران دولت افغانستان میلیون ها دالر امریکایی را حیف میل نموده اند که مانند والی بلخ تا هنوز نه از سوی دولت و نه هم از جانب رییس جمهور مورد پیگرد قرار گرفته اند. حتی برادران رئیس جمهوری هر یک محمود کرزی و احمد ولی کرزی و...، تا چند سال قبل در هتل های امریکا مزدوری می کردند، اما در دوره ی حکومت برادرش (حامد کرزی) میلیونر شدند که این خودش یک مثال آشکار از غرق بودن حکومت قبلی در گودال فساد است.

جنگ سالار عطا محمد نور که لقب مرد معارف و مرد صلح را در ولایت بلخ خودش به خود داد بخاطر خدماتی بود که خون مردم را ریختند و مکتب، شفاخانه، پل و پلچک را به آتش کشید. عطا محمد نور زمانی که میخواهد از یک محل به محل

دیگری نقل نماید یعنی از یک خانه به خانه دیگر بروی را بیش از پنجاه متر تعقیب سکورت مینماید که همه مال ملت اند. وی در شهر مزار شریف مالک بیش از ده ها بلند منزل است که بعضی از آنها را به نام خود یا زن ، فرزندان و اقارب خویش خریداری نموده است. عطا محمد والی بلخ اضافه از ۵۰۰ قبالة شرعی در ارتباط جایداد ها یا به نام خود یا به نام خانم و دو پسران و دخترش در املاک ثبت میباشد .

چندی قبل جنگ سالار معروف عطا محمد نور، متهم نقض حقوق بشرو کسی که در چوروچپاول میلیون ها دالرا دارایی های خصوصی و دولتی در شمال افغانستان دست دارد، به خبرنگار شبکه الجزیره گفته است که طالب به مراتب بهتر از جنایات دوستم است. عطا محمد نور این را در پاسخ به شایعاتی مبنی بر فرار گرفتن جنرال دوستم بجای او، در ولایت شمال اظهار داشته است. این جنگ سالار، در انتخابات ریاست جمهوری از جنگ سالار دیگر دبل عبدالله حمایت کرده بود. بخش قابل توجهی از تقلب انتخاباتی در ولایت بلخ به نفع دبل عبدالله، با اعمال نفوذ و فشار عطا محمد نور صورت گرفته است. فشرده از جایدادهای عطا محمد نور :

پروژه خالد بن ولید که از طرف والی توزیع گردیده تقریباً ۶۰۰۰ هزار نمره است که قیمت فی نمره آن مبلغ ۸۰۰۰ هزار الی ۲۰۰۰۰ هزار دالره فروش رسیده و در پروژه متذکره به تعداد ۲۰۰ نمره در قسمت فوق العاده برای خود غضب نموده است.

مارکیت عصری به نام باختر که در آن به تعداد ۲۰۰ باب دوکان.

مارکیت بادام در پهلو سینا استدیوم که اکنون ملکیت شان میباشد.

مارکیت به نام عجب خان که اکنون کار تعمیرات و ساختمان آن تکمیل گردیده.

سنتر بزنس نور که هشت طبقه بوده و با تعداد ۱۰۰ باب دوکان.

مارکیت ادویه فروشی مقابل شفاخانه مزار.

کلینیک لایزن نور.

شرکت تیل نور در وازه بلخ.

منزل رهایی چندین طبقه به نام مترانور (دخترش) ۴۰۰ باب اپارتمان دارد.

منزل ده طبقه بی مقابل شاروالی مزار.

شرکت ترانسپورتی متر نور که بیش از ۳۰۰ نوع موتر در آن فعالیت دارد.

مارکیت جدید که بجای سینمای سابقه مزار اعمار گردیده ، حدوداً ۱۰۰۰ هزار دوکان دارد.

پمپ استیشن های خالد نور که در نقاط مختلف شهر مزار موقعیت دارد.

خانه شخصی اش در چهار طبقه در منطقه چو غدک که بامصرف دومیون دالر.

یک باب سرای حدودی سه جریب زمین ایستگاه موترهای ولسوالی شولگر.

ساختمان بلند منزل عقب تعمیر ولایت.

صالون های عروسی آریانا در شهر مزار شریف .

تعمیر بلند منزل عقب لیسه سلطان راضیه بنام خانمش و فعلاً کلینیک شخصی است.

موسسه آموزش تحصیلات عالی به نام آریا در شراکت با احمدضیا.

دوباب شفاخانه به نام مولانا جلال الدین و الفلاح.

مقابل پوهنتون بلخ مارکیت بلند منزل به نام سینا که دارایی ۴۰۰ باب دوکان، در شهرک حیرتان ذخیره های تیل و جایداد متعدد با شرکت وارداتی انترنیشنل، و مالکیت وی و کمال نبی زاده، دستگاه تلویزیون شخصی به نام آرزو ... عطا محمد که خود را نور می نامد، با پیشینه تاریک اندیشی و تاریک فکری که در عملنامه سیاه او از روز گار مکتب سوزی وزن ستیزی درج گردیده است بربلخ فرمان می راند. این مرد سیاه کار و سیاه دل و یاران دیگر تنظیمی او بیشتر مانده دارایی های دولت و مردم مظلوم را غارت میکنند. شمار قصر ها و بلند منزل های این فرومایه گان قرن بیست و یکم از حساب بیرون است، بگونه نمونه از چند مارکیت و قصر بلند منزل سر باند دزدان در بلخ یاد آور میشویم تا خواننده گان به غفار پهلوان و رسول پهلوان که اسلاف این وطن فروشان در چپاول و ثروت اندوزی بودند روی سفیدی تاریخی دهند. اگر از روضه مزار شریف که در وسط شهر قرار دارد بطرف غرب حرکت کنید در کمتر از یک کیلومتر تماشا خواهید کرد که چگونه سینمای سابق مزارنداری به مارکیت والی بلخ تبدیل گردیده است و در مقابل آن مارکیت دیگر او خالد نور قد برافراشته و کمی بیشتر قصر مهمانان وی ساخته شده و در مقابل قصر، اتحادیه باربری و ترانسپورتهی خالد و طارق با صد ها موتر قرار دارد و متصل آن بطرولیم طارق نور به خیابان غربی انوار چراغهای گوناگون بخشیده است و کمی بیشتر به شفاخانه الفلاح می رسید که با جه خود میرویس رییس شفاخانه بلخ تازه سرمایه گذاری نموده اند. در نخستین گام زیر زمینی دروازه شادیان والی چند قصر و خانه و مهمانخانه رامینید تا کوه های شادیان که پروژه خالد بن ولید با هزاران نمره رهایشی با غضب زمین های دولتی ادامه می یابد همه را والی به نفع شخصی غضب نموده اند. و به همین ترتیب سرای سابق عجب خان و کارته آریانا چندین قصر و تعمیر همه مالکیت والی بلخ است، در سمت شمال مارکیت ترکیاری سابق حق مسلم این مجاهد و مقاومت گر بی مانند است و دهها جایداد غیر منقول دیگر که درین مختصر ذکر آن نمی گنجد. این به اصطلاح مجاهدین که هر لحظه و اژه جهاد را به رخ مردم می کشند و پای آمریکایی و یاران غربی را میبوسند بی شرمانه صد ها هزار جریب زمین دولتی را غضب نموده اند که شهرک های خالد بن ولید و همدرد نمونه های ناچیز آن محسوب میگردد. باند مافیایی والی چون پادشاه کل اختیار بلخ هر کسی را که مانع اغراض خود فکر کنند بی هراس گردن می زنند و پروا از محاکمه و محاسبه نیز است. بیشترین ساحات مرکز شهر را عطا خریداری نموده؛ مالک شفاخانه ها الفلاح و مولانا، شهرک های رهایشی مانند پروژه خالد بن ولید، مراکز تجاری نور، تانک تیل طارق نور، مهمانسرای مزار، اپارتمان زرگری ها، رحمان مارکیت، بازار باختر، انستیتوت علوم صحتی مولانا و اپارتمان شبکه مخابراتی MTN واقع در شهر نوکابل میباشد و قرار معلوم حدود ۲۵۰ قبالة رسمی ثبت شده در محاکم بنام خود و وابستگان نزدیکش دارد. در سایر بلند منزلها، تجارت خانه ها، مارکیت های لباس فروشی، انجو ها، شهرک ها، شفاخانه ها و کلینیک های شخصی با فیصدی معین یا شریک است و یا از آنان حق میستاند. گندگی باج خواهیش به جایی رسیده که در ماه حوت سال (۱۳۸۸) نزدیک به نوزده سال نوکسی در تاشکند از کمال نبی زاده رییس شرکت نبی زاده و تلویزیون «آرزو» که دوست نهایت صمیمی کاروبار عطا است میپرسد، چرا با وجود «امنیت» در مزار سرمایه گذاری نمیکنید؟ در جواب میگوید «نمیخواهم برای زخم شریک بگیرم!» مختصرترین جواب از یک بورژوا کمپرادورچی معنی دارد غیر از اینکه در تمامی امور با استاد شریک است.

حامیان عطا محمد نور چه میگویند؟؟؟





( خدارحمت کند چنگیزیان را )

زدند با تیر بلخ و بامیان را

گما نم میدا نستند که اینها

چپا ول میکنند افغانستان را)

تاین دزدان میلیون دالری به پنجه قانون سپرده نشوند هیچ حرف وسخن زامداران راباور نکیم که فریب میدهند - محمود کرزی، خلیل الله فیروزی، حصین فهیم، شیرخان فرنود، یونس قانونی، حاجی نبی، فاروق وردگ، ضرار احمد مقبول عثمانی، رحیم وردگ، تاج محمد وردگ، کریم خرم، احمد مشاهد، دبل عبدالله، عمر زخیوال، قدیر فطرت، ابراهیم عادل، ظاهر قدیر، بسم الله محمدی، بازماندگان قسیم فهیم، عطامحمد نور، تورن اسماعیل، عنایت الله قاسمی، ظاهر اغبر، زلمی حقانی، کرام الدین کریم، عتیق الله بریالی معاون قبلی وزارت دفاع، عمر داوودزی، اشراق حسینی، محراب الدین مستان، یونس نواندیش، نادر آتش، احمدضیا مسعود، صدیق چکری، سید حسین انوری، محمداکبری، خانواده کرزی، احدی، عبدالروف ابراهیمی، وکیلان پارلمان ودها تن دیگر از این قماش.

تا زمانی که نیروهای خارجی اینان را حمایت کنند، در زندگی مردم فقیر و ستم دیده هیچ تغییری رونما نخواهد شد. پس لازم است تا وطن پرستان و فرزندان اصیل این سرزمین و آنانکه به وطن و مردمش ایمان دارند، فشارهای رسانه ی راتشدید و دین خویش را در مقابل مادروطن ادانمایند.

یک نشریه آلمانی نیز اعلام نموده بود که ناتو در افغانستان علاوه بر ماموریت نظامی قتل های هدفمند نیز انجام می داده است. در این نشریه آمده است که سازمان ناتو در لیست قتل های هدفمند خود اسامی سربازان متهم به دست داشتن حملات علیه نیروهای ناتو، آنانی که قصد پیوستن به طالبان را دارند و قاچاقچیان مواد مخدر را دارد . عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ نیز به اتهام قاچاق مواد مخدر در شمال افغانستان، در سال دوهزارده میلادی وارد این فهرست شده است . این سازمان در سال دوهزارده میلادی به ظن سرمایه های فراوان نوری را در این فهرست قرار داده است، زیرا ناتو فکر می کند این سرمایه از طریق قاچاق مواد مخدر به دست آمده است. عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ در واکنش به گزارش تازه سازمان دیدبان حقوق بشر اعلام کرد که علیه این سازمان اقامه دعوی می کند . سازمان دیدبان حقوق بشر اخیرا گزارشی را تحت عنوان "ما همه باید بمیریم " زورمندان افغانستان مصوون از مجازات هستند، اسامی هشت نفر را که در پولیس ملی، ریاست امنیت ملی و پولیس محلی و دیگر سمت های دولتی ایفای وظیفه می کنند و متهم به قتل شکنجه و دیگر جرایم می باشند، منتشر کرده است. عبدالحکیم شجاعی، خیر محمد تیمور قوماندان سابق امنیه تخار، عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ، اسدالله خالد رئیس

پیشین امنیت ملی، میر علم قوماندان جهادی، عزیز الله قوماندان پولیس محلی در ارگون، حاجی نجیب الله رئیس سابق امنیت تخار و جنرال عبدالرزاق قوماندان امنیه قندهار در محور گزارش دیدبان حقوق بشر قرار دارند.

این گزارش افراد فوق را متهم به موارد زیادی از قاچاق مواد مخدر، حمایت از افراد مسلح غیر مسول، نقض حقوق بشر و اختطاف افراد کرده است. با این حال، نور در یک نامه اعتراضی نوشته است که گزارش منتشره اخیر سازمان دیدبان حقوق بشر، مردم افغانستان را نسبت به جایگاه حقوقی و رعایت اصل بی‌طرفی این سازمان مشکوک کرده است.

به نظر نور، در این گزارش بیشتر برگمانه‌ها و مدارک عاری از حقیقت تمرکز شده است و در عین حال به شخصیت وی اهانت شده است. سرپرست ولایت بلخ نگاشته است - با توجه به درون مایه های این گزارش و بر اساس اصول پذیرفته شده بین المللی می‌خواهم ضمن رد اتهام های وارده بر من، دفاعیه خود را پیشکش و در عین حال اقامه دعوی ام را از طریق سازمان ملل متحد و دادگاه های معتبر بین المللی، روی دست گیرم. من برای پیگیری محتوای بی اساس این گزارش و اتهام های وارده بر من به صورت رسمی اقامه دعوی می‌کنم و صورت دعوای خود را از طریق وکیل مدافع خویش به سازمان ملل متحد و نهادهای معتبر بین المللی پیشکش خواهم کرد. در زبان عامیانه می‌گویند: «ای یار باوفا تو بکس کومه دفاع».

در اطلاعیه از زبان عبدالله نقل شده که عطا محمد نور؛ والی بلخ جزء افرادی است که در این گزارش متهم به نقض حقوق بشر شده است که این اتهامات نیاز به بررسی دقیق دارد چرا که وی یکی مقامات محبوب و موفق حکومت است که در بیش از سه دهه نقش مهمی را در تاریخ کشور ایفا کرده است. وی گفته که عطا محمد نور به عنوان یک فرد موثر، وطن پرست و با وجدان که در برقراری صلح و ثبات در افغانستان تلاش می کند شناخته شده است و فردی با چنین سابقه خدمت مورد احترام حکومت بوده و از چنین اتهاماتی مبرا می باشد. عبدالله گفته که صرف افشای نام هشت مقام بلند پایه دولتی که در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی خود موفق بوده اند، دلیلی بر نقض حقوق بشر نمی باشد. صلاح الدین ربانی وزیر خارجه نیز گزارش دیدبان حقوق بشر مبنی بر متهم ساختن چندین فرد سرشناس را مغرضانه تلقی کرد و گفت که محتوای این گزارش چکیده فکری افراد خاص برای برهم زدن افکار عامه در جامعه است.

حقوق بشر در این گزارش اشتباهات دارد و تنهادر چپاول و جنایت عطا محمد نور سهیم نیست و این چهره هائیز به شکل از اشکال در چور و چپاول وطن سهم گرفته اند: قوماندان گدامحمد خالد، صالح محمد ریگستانی، جنرال عتیق الله بریالی، انجینیر محمد عارف سروری، امان الله گذر، سارنوال محمود دقیق، صوفی محمد سعید شتلی، خواجه نبی، جان احمد، جنرال دین محمد جرأت، فرید شفق، قوماندان قیس قرباغي، محمد قسیم فهیم، قوماندان شاه حاجی، نور خان قره باغ، خواجه رحمت، عبدالبصیر سالنگی، محمد ایوب سالنگی، فضل الدین عیار، قوماندان نورحبیب، فضل احمد عظیمی، داکتر حقین، مولوی غلام ایشان، استاد مالک خان، احمد ضیا مسعود، استاد نجیب فهیم، قوماندان غلام محمد، حاجی صافی قره باغي، جنرال عبدالولی، احمد ولی مسعود، محمد یونس قانونی، عبدالله ریس اجرایی، بسم الله محمدی، امرالله صالح، قاری محب الله، صوفی رزاق، خواجه صافی، گل پاچا، جنرال عارف، حاجی الماس، حاجی بری، حاجی داوود کلکان، پهلوان هاشم، سید عبدالله استالی، صوفی شریف، پهلوان معروف، آمر دوست محمد، زلمی طوفان، جنرال آغا گل، ملا عزت، سید اسحق، محمد خواجه حسن، سید منصور فرزه بی، جنرال رستمی، جنرال راغب، عزیز مجروح، جنرال محمد رازق، جنرال قلندر بیگ، جنرال محمد شریف، جمیل تتمدره، سید اقبال، آغا جان سنجی، عبدالهادی صافی، آغای خانقاه، جنرال حلیم، جنرال

دوران، جنرال امیر جان، جنرال عبدالاحد، ارباب جمیل فرنگ، جنرال جلال غنی، سارنوال حسین، عبدالرب رسول سیاف، ملا تاج محمد، حاجی شیر علم، اسماعیل خان، جنرال ظاهر عظیمی، سید نصیر علوی، علم خان آزادی، عطا محمد نور، قوماندان صادق، جنرال سید وثیق، قوماندان سید کامل، محمد اسحق رهگذر، علی محمد وفاپی، احمد خان سمنگانی، گل محمد پهلوان، جنرال ملک، سارنوال عبدالاحد دھزاد، خال مرزا صبوری، عالم ساعی، جنرال بابہ جان، قوماندان نجیم خان، قوماندان گل حیدر، قوماندان عظیم، معلم فقیر احمد، میرزا رحیم، داکتر تاج محمد، جنرال عزیز غیرت، جنرال کبار، جنرال محمد اسحق قوماندان مومن، مولانا قربان فرید، نصیر احمد ضیایی، قوماندان رجب خان، قوماندان ملا صبور، قسیم جنگل باغ، امان الله سالنگی، محمد یحیی سالنگی، ولسوال کبیر، مولوی محمد ظریف، حاجی رحیم سانچارک، سید آقا حسین سانچارکی، حسن فهیمی، جنرال ذوالفقار، جنرال گل محمد پهلوان، داکتر محمد ابراهیم تیورہ، غلام یحیی چارسدہ، احمد خان درہ مرغاب، عادل بلخی، حاجی محمد محقق، سید حسن صفایی، کریم خلیلی، محمد اکبری، سید حسین انوری، سید علی کاظمی، قربان علی عرفانی، باز محمد جوہری، جنرال مراد علی، سید اعلیٰ رحمتی، جنرال خلیل اندرابی، جنرال کبیر اندرابی، جنرال مصطفیٰ، جلال باجگاہ، قوماندان رسول، قوماندان شکور، آمر میر علم کندز، حاجی سنگی محمد، مولوی ضیا الحق، قوماندان شاہ عالم خوست، سید منصور نادری، سید جعفر نادری، سید حسام الدین، عزیز الرحمن گدامدار، عزیز بلال، جنرال اکرم، پیر محمد، پیرام قل، سبحان قل، قاضی محمد کبیر مرزبان، مامور حسن، داکتر جنید، بشیر قانت، سید اکرام الدین، حاجی آغا گل، اکرم خان، سید احمد روپین، داکتر احمد مشاہد، جنرال امام الدین، عبدالجبار تقوا، داکتر محی الدین مہدی، سید نبی، داکتر قدم شاہ، جنرال فیصل بیگ، سلطان محمد اورنگ، باز محمد احمدی، سمیع الله قطرہ، سلطان محمد عبادی، صلاح الدین ربانی، بصیر بنگی، مولوی محمد نبی، محمد نور خواہانی، قوماندان سردار محمد، مخدوم فضل، عبدالولی نیازی، سید قدیر صیاد، دگروال نذیر محمد، بصیر خالد، سید امین طارق، محمد طویل، جنرال محب الله، قوماندان دانشی، عبدالرووف ابراہیمی، آمر لطیف، فضل کریم ایماق، جنرال داوود ابراہیمی، محمد انور جگدک، ملا فضل، عبدالخالق قندھاری، مولوی نیک محمد، مولوی غلام محمد غریب، محمد عارف نورزی، آمر لالی، الله یار، کریم براہوی، سید اسحق گیلانی، قاضی راز محمد دلیلی، حاجی حضرت علی، حمید الله توحی، قوماندان عبدالرزاق، وحید الله سباوون، قاضی محمد امین وقاد، سید اشراق حسینی و..... فساد در کشور ما دوشادوش دولت کرزی و حاکمیت تفنگداران به پیش رفته است، تاثیر جنگ های خانمانسوز و گماشتن انسانهای بی بندوبار و استفاده جو مخصوصا در سالهای چور و چپاول کشور وسیله افراد تنظیمی و بیسواد باعث شد تا این پدیده شوم، دولت و جامعه جهانی را به تهدید مواجه سازد. بدون شك وارد کردن ضربات کوبنده و پیہم فساد و اختلاس بر سیاستهای دولت، باعث از بین رفتن منافع ملی گردیده و حاکمیت را به نابودی و گمراهی کشاند.

مردمی که طی این مدت در آتش خون و نفاق، دار و ندارش را از دست داده، دیگر نمی تواند بدبختی های بروکراسی و فساد اداری و زورگیری را به دوش آگنده از خون خویش تحمل کند. ملت مظلوم باید بداند که اعمال آن عده عناصر استفادہ جو کہ کوچکترین پابندی به هیچ قوانین بجز منافع خودشان ندارند، قابل عفو و بخشش نبوده و نخواہد بود و شاید فراموش کنند کہ سازندگان فساد اداری هرگز بخاطر نمی آورند تا مدت طولانی به اعمال بنیادگرایانه و خائنانه برخلاف اتحاد ملی، غسل زہر آلودی را وابسته به درگلو فروبرند. تاریخ این دورہ کہ بیانگر اعمال و کردار انسانهاست، آیینہ وار بروی عملکرد های انسانی قضاوت خواهد کرد و کتمان جای هیچ خاین ملی را بدون چالش نخواہد گذاشت. کسانی کہ فساد اداری و چپاولگری

را براه می اندازند و یا زمینه های مختلف را در این جهت مساعد میسازند دشمنان مخفی و آشکار ارمان ملی و انسانی ملت ماست. فساد اداری و زورگیری ناشی از سوء استفاده از قدرت دولتی است که در قدم نخست همیاران تنظیمی و دوستان خانوادگی را در شعاع قدرت شریک می سازند و بعدابنم های بازسازی و نوسازی به دستبرد دارایی های عامه متوسل میگردند.

بیش از یک دهه از عمر ا داره فعلی و موجودیت نیروهای خارجی میگذرد ، اما مردم هنوز هم در سایه تفنگ، فساد، چور و چپاولگری ، استبداد و آدمکشی جنگسالاران بسر برده و زندگی برای مردم فقیر شکنجه بار و دردناک است. فقط تفاوت انان با یک دهه قبل اینست که ریش و پکول و بعضی از کلمات مانند «دموکراسی»، «انتخابات» و غیره را نیز یاد گرفته اند و با آن بازی می کنند. قوماندانها و جنگ سالاران غارتگر و آدمکشش که از راه رذالت و چپاول و فساد و قاچاق مواد مخدر به میلیونرها مبدل شده اند .

طی دوازده سال گذشته یعنی از سال دوهزار دوتا سال دوهزار و چهارده میلادی، جامعه جهانی یکصد میلیارد دالر را در جریان نشست های جهانی برای تامین امنیت و بازسازی کشور و عده و پرداخته اند . این پول هادر کنفرانس بن، کنفرانس توکیو، کنفرانس برلین، کنفرانس لندن، کنفرانس رم، کنفرانس پاریس، کنفرانس هاگ، کنفرانس لندن، کنفرانس کابل، کنفرانس لیزبون که البته باید کنفرانس بن دوم و نشست توکیورا نیز به این کنفرانسها اضافه کنیم تعهد و تادیه گردیده و اما این یکصد میلیارد دالر کمک جامعه جهانی طی این سال ها در کجا مصرف شده است؟ این مبلغ گراف چقدر باعث رشد و بالندگی اقتصاد کشور گردیده است؟ چند درصد از این کمکه صرف بهبود شرایط زندگی مردم عادی و چه میزان در حسابهای شخصی سران جنگ و تفنگ و زورداران تنظیمی و دولتی واریز شده است؟. و اکنون بیش از چهل کشور در وطن حضور فزینی دارند. امامتاسفانه و سوگمندانه مردم مظلوم ما قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف تنظیمی ، دولتی و نظامی شده اند، بدون اینکه در زندگی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنک بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی های مشتئی معامله گرو اجنبی پرست را بپردازند . مردم که با صدها مشکل روزگاری گذرانند، نگران این هستند که با تداوم نا امنی ها، مانند حادثه پغمان، تفنگ کشی در خیمه لویه جرگه در سالروز کشته شدن مسعود زورگویی و قدرت طلبی بعد از انتخابات ، خدای ناخواسته جان و ناموس شان بی رحمانه در مقابل هوسهای قدرت طلبانه جنگ سالاران به خطر افتد.

هنوز قاچاق مواد مخدر، معادن ، انبارهای اسلحه ، چور و چپاول سرمایه ها ی دولتی و شخصی ، رشوت و رشوت ستانی ، قتل و جنایت های تکان دهنده ، دزدی و اختلاس ، خویش خوری و قوم پرستی ، غصب زمینهای دولتی و املاک شخصی... در کشور بیداد می کند و هنوز سران گروپهای اوباش و چپاولگر باتفنگ و ماشیندار در شهر کابل بر مردم ظلم روا میدارند. کجاست دولت ، قانون ، نیروهای مسلح و نیروهای شراندا از آیساف .؟؟؟ تاملت را ازین بدبختی و نباهی نجات بدهند . غصب زمین و احداث بی رویه خانه ها و بلند منزل ها توسط افراد زورمند، به یکی از معضلات بزرگ در کشور تبدیل شده است . خلیلی معاون ریس جمهوری میگوید: مافیای زمین مانند یک غده سرطانی در همه جا ریشه دوانده اند و در حال بلعیدن و غصب زمین می باشند. تا زمانی که از سوی وزارت امور شهرسازی و شهرداری ها در همکاری با نهادهای ذیدخل، بامافیای زمین برخورد جدی و قاطعانه صورت نگیرد، شهرهای افغانستان به صورت اساسی و زیربنایی

توسعه نخواهند یافت. اشخاص و نهادهایی که در غصب زمین دخیل اند باید از سوی ارگان های مربوطه شناسایی و به مردم و دولت معرفی شوند.

مسولین باید مشخص نمایند در شناسایی غاصبین کی ها مانع ایجاد می کنند، از طرف کدام مرجع همکاری نمی شود و چرا غصب زمین هر روز جریان دارد و هیچ گاه جلوگیری نتوانسته اید؛ باید اعلام شود پشت این گونه قضایا کی ها هستند؛ اگر دولت است باید اصلاح کند، اگر ادارات دخیل است باید روشن شود و اگر مافیا مستقل به این حد توانایی دارند نیز باید روشن شود. از نوشته های قبلی و منابع خبری بهره گرفته ام .

**[بقیه گزیده های مقالات \( صباح \) اینجا کلیک نماید](#)**